

چون رساله را حل کرده بنوشت و بر مشایخ ... [که] در دارالملک کرمان جمع بودند عرض کرد. مجموع پسندیده داشتند و تحسین فرمود. شیخ در کتمان این رساله وصیت فرمود. متن ترجمه محکم و زیبا نیست و لیکن مطالب آن از شیرینی عرفان بهره نیکو دارد. و این نمونه ایست از آن: ... و بهر اسمی از اسماء الله تعالی بر این بندهمتجلی می گردد و خاصیتی در این پدید می آید ... این دل را هزار و یک دریاچه است و حق تعالی را هزار و یک نام است و به حسب هر اسمی از این دریاچه ها که بر این بنده متجلی گردد خاصیتی پیدا آید و اثر ظاهر کند. مشایخ اینها را نامها گفته اند به زبان طریقت: وقت و حال و سکر و صحو و غلبات و فنا و بقا و محق. و پیغامبر - صلی الله علیه و سلم - میفرماید: «اذا نظروا الی الجمال طابوا و اذ نظروا الی الجلال ذابوا»؛ اگر تجلی جلال بود «رب زدنی تحیرا» گوید. چو دلیل تو باشی تحیر زیادت کن. ترجمه رساله قلب منقلب دایره‌هایی درباره تجلی، صدر، قلب، شفاف، فؤاد، حبه القلب، سویدا، مهجه دارد؛ و درباره هر یک از این مراحل گفتگو شده است.

حموی در این رساله در کار توضیح و وصف اطوار قلب و دوایر آن است و آنها را این گونه تشریح می کند: «پس از سر دید دوایر بر کشیدند و هر دایره را نامی کردند و بر هر دایره اسمی از اسماء الله به حسب معنی نهادند و از قرآن دستور ساختند و به قرآن تمسک کردند و به حدیث مسجل کردند. اول دایره را صدر گفتند و صمد بر وی کشیدند و دوم را قلب نام نهادند و قادر بر وی نوشتند و سیم را شغاف نام نهادند و رحیم بر وی نوشتند و چهارم را نام فؤاد نهادند و فتاح بر وی نوشتند و پنجم را حبه القلب نام نهادند و خالق و حی بر وی نوشتند و ششم را سویدا نام نهادند و فتاح بر وی نوشتند و هفتم مهجه نام نهادند و جلال و جمال و مهیمن و الله و نود و نه اسم بر وی کشیدند و در این همه دایره ها قرآن حروف نوشتند و نام این دایره ها از قرآن پدید آوردند و از جهت آن به حروف کردند تا هر کسی که لایق این علم مکنون نبود خوض نتواند کرد و آن رساله را قلب منقلب نام کرد و دیگری هست که آن را قلب لوحی گویند. هر یکی به جای خود به قدر امکان گفته آید». حمویه قلب المنقلب را به عربی تألیف کرد اما تاکنون نسخه‌ای از متن عربی دیده نشده است. نسخه موجود ترجمه فارسی کتاب است که با ارشاد و راهنمایی شیخ ابوالحسن بلغاری نخجوانی (۶۹۸ق) در سال ۶۷۲ق در کرمان گزارش شده است.

آغاز: آغاز مقدمه: حمد و ثنا خدای را که عالم اعیان را مظهر انوار قدرت و صورت اسرار حکمت خویش گردانید و جهان اذهان و عالم بیان را از مخزن خلف انسان خلعت هستی پوشید ... ؛ آغاز رساله: الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة ... الطاهرین. اما بعد بدان که هر کاری که کنی باید که در اول آن نام حق بر زبان رانی آن گاه آن کار کار است و بناء آن کار

آغاز: بسملة، الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله و أصحابه أجمعین، فاعلم ان شرف الإنسان و فضیلة التي بها فاز جميع أصناف الخلق ليس إلا باستعداده لمعرفة تعالی و إنما يستعد لمعرفة الله تعالی بقلبه لا بجارحة من جوارحه و ليس المراد بالقلب اللحم الصنوبری الشكلی لأنه قطعة لحم توجد فی البهائم و فی الميت أيضاً؛ انجام: و یرفع الله الذین آمنوا منكم و الذین اتوا العلم الموت الذی كنت عنه تحية و قيل لك لقد كنت فی غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد؛ تمت بعون خدای لم یزل

رساله‌ای در بیان ماهیت قلب به روش صوفیانه است و این که منظور از قلب، عضو صنوبری شکل در درون سینه نیست؛ «لیس المراد بالقلب اللحم الصنوبری الشكل ... لا قدر لها بل المراد به لطیفة نورانیة روحانیة لها بهذا القلب الجسمانی تعلق الصفات بالموصوفات و القلب بهذا المعنی یطلق علیه لفظ الروح و النفس و العقل أيضاً و هو حقیقة الإنسان و هو مهبط أنوار الرحمن و هو العالم بالله و هو العامل لله و هو الساعی الی الله ...» در این اثر از منصور و جنید بغدادی برخی عبارات نقل گردیده؛ خط: نسخ ترکی، بی‌کا، تا: قرن ۱۳هـ (۱۴۶-۱۴۹)، ۲۶ سطر، اندازه: ۱۶/۵×۹/۵سم [ف: ۴۰۲-۳۶۸]

● قلب المنقلب (ترجمه) / عرفان و تصوف / فارسی

qalb-ol monqalab (t.)

؟ حموی، محمد بن مؤید، ۵۸۶ - ۶۴۹ قمری
hamavī, mohammad ebn-e mo'ayyed (1191 - 1252)

مترجم: بخارائی، اخی منصور
تاریخ تألیف: ۶۷۲ق؛ محل تألیف: کرمان
رساله «قلب منقلب» از شیخ سعدالدین حموی جوینی کبروی، ابوالسعادات محمد بن مؤید بن حسن بن محمد می باشد. از آثار اوست: لطایف التوحید فی غرایب التفرید، کلمات عرفانی، المصباح فی التصوف، نامه‌های عرفانی. تا آنجا که تفحص گردید ارباب تراجم و رجال در میان آثار حموی از رساله قلب منقلب او یادی نکرده‌اند. این رساله به عربی می باشد و در آن از کیفیت عرفانی دل و سیر و سلوک باطنی بحث شده و گویا به جهت حاکمی به نام مجدالحق تألیف گردیده است. مترجم در مقدمه خود درباره آن چنین گفته است: «رساله در کیفیت دل از نفایس انفاس ... شیخ سعدالملة و الدین الحموی ... که نوشته و آن را قلب منقلب نام کرده و در آنجا ذکر کرده که هر که این رساله را حل کند او خاتم اولیاست. و در زمان خاتون سعیده مغفوره قتلگ ترکان این رساله را به کرمان آوردند و بر محکم ضمیر مولانا و شیخنا ... شیخ حسن بلغاری مشتهداً و النخجوانی مولداً و البخاری مظهرأ گذرانیدند. شیخ فرمود که من مریدی را بگویم تا این رساله را حل کند. اشارت به عم بنده اخی منصور که مریدی بود از مریدان قدیم و از مهاجران بخارا [کرد] ...

فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخا)؛؛ جلد بیست و پنجم؛ به کوشش، مصطفی درایتی؛ تهران

DIA 276263

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۲/۲۰۱۳